

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت

دوره ۱۳، شماره یک، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۷۷-۲۰۳

شفافیت اقتصادی در پرتو حاکمیت قانون

با تأکید بر ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

لاله شهبازی^۱، احمد مرکز مالمری^۲، عرفان شمس^۳ و عبدالرضا بزرگر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

چکیده

مقاله حاضر، با هدف شرح وضعیت شفاف‌سازی و چگونگی ارائه و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار (در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی) و اصلاحیه‌های متعدد در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، به عنوان یکی از شاخص‌های حاکمیت قانون انجام شده است.

افشاء و ارائه دقیق، شفاف و به موقع اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند فضای رقابتی سالم و منصفانه در جامعه فراهم سازد زیرا هر جا که شفافیت اطلاعاتی، نظارت عمومی و پاسخگویی کافی وجود نداشته باشد، احتمال بروز تقلب، تبعیض، رانت، بی‌اعتمادی، فساد و سوءمدیریت بیشتر می‌شود. در مقیاس کلان نیز شفاف‌سازی می‌تواند موجب افزایش سرمایه اجتماعی و اقتصادی، تقویت حاکمیت قانون و حکمرانی خوب شود.

در پژوهش حاضر، چگونگی کارآمدی قوانین و مقررات، ابزارهای قانونی و ضمانت‌های اجرایی در زمینه شفاف‌سازی و ارائه درست و به موقع اطلاعات مالی نهادها و بنگاه‌های اقتصادی، از طریق مطالعات اسنادی مورد مطالعه قرار داده و راه‌حلی را برای برون‌رفت از موانع موجود ارائه دهد.

کلمات کلیدی: شفاف‌سازی، ارائه اطلاعات مالی، بورس، حاکمیت قانون و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

^۲ نویسنده مسئول، دکترای حقوق عمومی، استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، آدرس پست الکترونیکی: a.markaz@majles.ir

^۳ دکترای حقوق عمومی، هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۴ دکترای حقوق عمومی، واحد میبد، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

امروزه با طرح مفاهیمی همچون حکمرانی خوب به مثابه یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار، بحث نظارت و پاسخ‌گویی سازمان‌های متصدی امور عمومی، اهمیتی روز افزون یافته است. مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی نیز به عنوان یکی از ارکان حکمرانی از این نظر مستثنی نمی‌باشند و نظارت مالی بر این‌گونه مؤسسات می‌تواند از ابزارهای مؤثر در پاسخ‌گویی این نهادها قلمداد گردد. برای اثربخش و کارآمد بودن نظارت مالی، انتشار منظم اطلاعات، شفافیت مالی، بیان جنبه‌های عملیاتی برنامه‌ها و نظارت توسط سازمان‌های مسئول از ضروریات است که این عوامل در سیستم نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی بسیار ضعیف و ناکافی هستند (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

در نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی که امروزه براساس دکترین «اداره خوب» به عنوان یک رویکرد جدید، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی معاصر را تحت تأثیر قرار داده است؛ نظارت مالی، محدود به اطمینان خاطر از اینکه مبالغ مندرج در بودجه هزینه شده‌اند نیست بلکه سنجش عملکرد برنامه‌ای، کارآمدی، اثربخشی، مصرف بهینه وجوه عمومی و حفظ تعادل مالی جامعه، بخش تفکیک‌ناپذیری از نظارت مالی را تشکیل می‌دهند.

درخصوص نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موانعی همچون عدم شمول مجامع نظارتی نظیر دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی بر بخشی از بودجه این مؤسسات، عدم شفافیت بودجه و امور مالی برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، عدم توجه به اقدامات و نتایج به‌دست آمده، توسعه نیافتن حسابرسی و نظارت مالی بر این مؤسسات را با چالش اساسی روبه‌رو کرده است (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

در دنیای کنونی شفافیت اطلاعات و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل فساد، جلوگیری از تقلب و کلاه‌برداری، نظارت بر حسن عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی است. این مهم، نه تنها برای تسهیل فرآیند تأمین مالی بلکه در راستای کارکرد درست بازارها نقش تعیین‌کننده دارد. اگر برخی از بازارها و بنگاه‌ها ناکارآمدند، نقص یا عدم تقارن اطلاعات در آن‌ها نقش مؤثری دارد. علاوه بر این، اطلاعات مالی اشخاص حقوقی و حقیقی از ابزارهای کلیدی حاکمیت در مدیریت اقتصاد، جمع‌آوری مالیات و پیش‌گیری از ریسک‌های نظام‌مند است. حکومت به کمک اطلاعات می‌تواند بر جریان مالی نظارت کند و مانعی برای پیدایش بدهکاران بزرگ در اقتصاد باشد و فضای

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۷۹/

پولشویی، گردش مالی، مبادلات و قاچاق، کنترل و نظارت داشته باشد و از طریق شفاف‌سازی اطلاعات ضمن ایجاد فضای رقابتی سالم در بخش خصوصی و مؤسسات عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی، زمینه‌های شکل‌گیری نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد را فراهم سازد (نصیری‌ا قدم و قودجانی: ۱۳۹۲).

از آنجا که یکی از اصول حکمرانی خوب؛ حاکمیت قانون، رعایت حقوق شهروندی و شفافیت مالی می‌باشد، شایسته است وضعیت افشاء اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از جمله مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که موضوع پژوهش حاضر است مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

بیان مسأله

شفافیت و افشاگری صحیح، همواره دو رکن مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فعالان حوزه‌های اقتصادی و بازار محسوب می‌شوند. نشر اطلاعات با شفافیت کمتر یا عدم انتشار اطلاعات شفاف، موجب سردرگمی و انحراف در تصمیم‌گیری و انتخاب نامناسب می‌شود. با ارائه دقیق و به‌موقع اطلاعات است که اعتماد افراد به سرمایه‌گذاری جلب شده و در مقیاس کلان از فساد جلوگیری می‌شود.

در گزارش اخیر «سازمان شفافیت بین‌الملل» که سالانه شاخص فساد اداری و اقتصادی همه کشورها را بررسی می‌کند، در گزارش سال ۲۰۱۹ خود در میان ۱۸۰ کشور دنیا، رتبه ایران را ۱۴۶ ارزیابی کرده است که بیانگر وجود ناکارآمدی در سطح اطلاع‌رسانی و شفافیت در بنگاه‌های اقتصادی کشور است.

از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های بازار اوراق بهادار کارآ، انتشار هرگونه اطلاعات مربوط به ورقه بهادار است که در قیمت اوراق بهادار و تصمیم سرمایه‌گذاران موثر است (صفریان، ۱۳۸۱: ۱۷). اجرای رسالت بهبود جریان اطلاعات اقتصادی کشور درخصوص بنگاه‌ها و شرکت‌ها برعهده سازمان بورس و اوراق بهادار است. موضوع انتشار اطلاعات اقتصادی همه نهادهای زیرمجموعه حاکمیت و ارائه اطلاعات کامل مالی نهادها و بنگاه‌های عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی شامل مشخصات کامل شرکت یا مؤسسه، صورت‌های مالی سالانه و صورت‌های مالی تلفیقی سالانه به همراه گزارش حسابرسی و

بازرسی قانونی (مطابق استانداردها و ضوابط گزارش‌گری مالی، گزارش فعالیت مدیران به سهامداران یا مالکین، جزئیات ترکیب مالکیتی، آخرین اساس‌نامه یا شرکت‌نامه ثبت شده و سایر مواردی که حسب مورد توسط هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین می‌گردد) به سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸ و اصلاحیه‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نشانگر عزم جدی حاکمیت برای شفافیت اقتصادی می‌باشد. هدف قانونگذار از مصوبات مذکور، اجرایی کردن و بسترسازی برای دسترسی به اطلاعات شفاف و ایجاد فضای رقابتی مناسب و از سوی دیگر، امکان نظارت بر فعالیت این قبیل مؤسسات و نهادها و بررسی نقاط ضعف و قوت آن‌ها بوده است.

مسأله شفافیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است. سواً شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های دیگری نیز وجود دارند که اطلاعات مالی آن‌ها به روشنی بر نهادهای ناظر و قانونگذار مشخص نیست. پیرو ابلاغیه سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون اجرای آن، با توجه به اینکه اجازه واگذاری شرکت‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی داده شد، این دغدغه مطرح شد که چگونه نهادهای نظارتی می‌توانند بر فعالیت‌های اقتصادی این نهادها نظارت داشته باشند و چه ملاحظاتی باید در زمینه فعالیت‌های اقتصادی نهادهای غیردولتی در نظر گرفته شود تا سهم بهینه بخش خصوصی در کنار بخش دولتی و بخش عمومی غیردولتی حفظ شود.

بی‌تردید، یکی از چالش‌های اصلی در مورد اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نبود بخش خصوصی کارآمد در ایران و وجود فضای ابهام‌آلود و نامطمئن به سبب فقدان اطلاعات دقیق و شفاف در مورد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از جمله نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی است که توان و انگیزه بخش خصوصی واقعی را برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی تضعیف کرده است. نگاهی به نابسامانی‌های صندوق‌های بازنشستگی و برخی از سوءمدیریت‌ها و سوءاستفاده‌ها در شرکت‌های وابسته به برخی نهادها، گویای آنست که هرچا شفافیت اطلاعاتی، نظارت عمومی و پاسخ‌گویی کافی نباشد، احتمال بروز فساد و سوءمدیریت بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت که در نظارت مالی بر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که امروزه بر اساس دکترین «اداره خوب» به‌عنوان یک رویکرد جدید، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی معاصر را تحت‌تأثیر قرار داده است. نظارت مالی، محدود به اطمینان خاطر از اینکه مبالغ مندرج در بودجه هزینه شده‌اند نمی‌باشد بلکه

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... / ۱۸۱

سنجش عملکرد برنامه‌ای، کارآمدی، اثربخشی، مصرف بهینه وجوه عمومی و حفظ تعادل مالی جامعه، بخش تفکیک‌ناپذیری از نظارت مالی را تشکیل می‌دهند.

در خصوص نظارت مالی بر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موانعی همچون عدم شمول مراجع نظارتی نظیر دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی بر بخشی از بودجه این مؤسسات، عدم شفافیت بودجه و امور مالی برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، عدم توجه به اقدامات و نتایج به‌دست‌آمده، توسعه نیافتن حسابرسی و نظارت مالی بر این مؤسسات را با چالش جدی مواجه کرده است (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

در دنیای کنونی، شفافیت اطلاعات و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل فساد، جلوگیری از تقلب و کلاهبرداری و نظارت بر حسن عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی است. این مهم نه‌تنها برای تسهیل فرایند تأمین مالی، بلکه در راستای کارکرد درست بازارها نقش تعیین‌کننده دارد. اگر برخی از بازارها و بنگاه‌ها ناکارآمد هستند، نقص یا عدم تقارن اطلاعات در آن‌ها نقش مؤثری دارد.

علاوه بر این، اطلاعات مالی اشخاص حقوقی و حقیقی از ابزارهای کلیدی حاکمیت در مدیریت اقتصاد، جمع‌آوری مالیات و پیشگیری از ریسک‌های نظام‌مند است. حکومت به کمک اطلاعات می‌تواند بر جریان مالی نظارت کند و مانعی برای پیدایش بدهکاران بزرگ در اقتصاد باشد به فضای پولشویی، گردش مالی، مبادلات و قاچاق کنترل، نظارت داشته باشد و از طریق شفاف‌سازی اطلاعات ضمن ایجاد فضای رقابتی سالم در بخش خصوصی و مؤسسات عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی، زمینه‌های شکل‌گیری نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد را فراهم سازد (نصیری‌اقدم و قودجانی، ۱۳۹۲). با توجه به موارد مذکور و به‌منظور شفاف‌سازی اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸ و اصلاحیه‌های آن، تمامی بنگاه‌ها و شرکت‌های زیر مکلف شده‌اند که اطلاعات کامل مالی خود را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه کنند:

۱۸۲ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

الف) مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده ۵ قانون محاسبات عمومی؛

ب) نهادهای نظامی و انتظامی کشور؛

ج) سازمان‌ها و مؤسسات خیریه کشور؛

ه) کلیه صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری و لشگری، نظیر صندوق‌های بازنشستگی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و وابسته به دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است؛
و) نهادهای انقلاب اسلامی.

تشکیل این قبیل بانک‌های اطلاعاتی (حقوقی - اقتصادی) و تنظیم سیستم جامعی در این موارد، پیچیدگی‌های نهادی و حقوقی خاصی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اقتصاددانان کلاسیک بر این باورند که لازمه عملکرد صحیح حوزه‌های اقتصادی و بازار، حکومت قانون است. با استقرار حاکمیت قانون، رفتارهای دیگران، به خصوص دولت در قبال بازار قابل شناسایی است. اگر حکومت قانون نباشد، نمی‌توان رفتار هیچ‌یک از بازیگران بازار را پیش‌بینی کرد. البته منظور از حکومت قانون به معنای اراده نامحدود اکثریت پارلمانی و حکومتی نیست بلکه اراده اکثریت، در چهارچوب یک قانون اساسی محدودکننده، مدنظر است. با این وصف اراده تمام دولت در مداخلات اقتصادی از طرق مختلف قانونگذاری که از مشخصات بارز دوره حقوق عمومی اقتصادی کلاسیک که برگشت به دوره بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه هشتاد میلادی بوده است، در حال تغییر اساسی است و این تغییر در بازگشت به نظام اصول‌محور و کنترل قانونگذاری در اقتصاد، براساس اصول اساسی است. از این‌رو در حال حاضر، پرداختن به اصول اساسی از مهم‌ترین موضوعات حقوق عمومی اقتصادی تلقی می‌شود (مؤذنی، ۱۳۹۳: ۷).

با توجه به روند بین‌المللی شدن بازارهای مالی، توسعه روز افزون تجارت و پیشرفتهای تکنولوژی اطلاعات، بیش از پیش سرعت گرفته است. بی‌تردید امروزه بیشترین مقدار سرمایه از طریق بازارهای بورس در تمام جهان مبادله می‌شود. اقتصادهای ملی به شدت متأثر از عملکرد بورس اوراق بهادار است. به‌علاوه بورس به عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری در دسترس، هم برای سرمایه‌گذاران کلان و هم برای عموم مردم شده است (فلیحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹).

امروزه حاکمیت قانون یکی از موضوعاتی است که بیشترین توجه حقوقدانان و دیگر اندیشمندان در زمینه‌های سیاست و اقتصاد را به خود جلب کرده و این دیدگاه به ادعایی قابل قبول تبدیل شده است

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... / ۱۸۳

که تا وقتی حاکمیت قانون در یک کشور برقرار نشده و مورد شناسایی و احترام قرار نگرفته است، آن نظام، نظامی حقوقی به معنای امروزی محسوب نمی‌شود. از این روست که سرآغاز هر سخنی راجع به دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، حاکمیت قانون است. از سوی دیگر، از آنجا که مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با یکدیگر از طرف دیگر است، با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعاملات یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. امروزه این اعتقاد فراگیر شده است که توسعه اقتصادی و اجتماعی از حکومتی «خوب» ناشی می‌شود که مطابق با اصول مشارکت دموکراتیک، قدرت نهادینه شده را به نحو مشروع اعمال نماید و بر اساس قانون حکومت کند (مرکزالمیری، ۱۳۸۵: ۱۳).

مؤسسات عمومی غیردولتی، بخش مهمی از سازمان‌های عمومی هستند که بر اساس عدم تمرکز فنی، اصل تخصص و دیگر اقتضانات اداری و اجرایی به منظور انجام پاره‌ای از خدمات عمومی خاصی ایجاد شده‌اند (حسینی‌پور اردکانی، ۱۳۸۹: ۶ و ۱۶). انجام وظایف خدمات عمومی در وهله اول برعهده دولت می‌باشد، اما حسب ضرورت‌هایی که به وجود می‌آید برخی از این وظایف به بخش‌های غیردولتی واگذار می‌شود و عموماً سازمان‌های عمومی غیردولتی عهده‌دار انجام این وظایف می‌شوند، حقوقدانان این اقدام را در راستای عدم تمرکز و اداره امور عمومی و تخصصی کردن انجام وظایف دولتی دانسته‌اند (حسینی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۹۲ و ۱۹۳) که نتیجه آن می‌تواند ارائه بهتر خدمات عمومی به آحاد جامعه باشد. قانونگذار نیز در ماده ۵ قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱) در تعریف این سازمان‌ها مقرر داشته است: مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به منظور انجام وظایف خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده یا می‌شوند. همچنین در ماده ۳ از قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۸) آمده است: «مؤسسه یا نهادهای عمومی غیردولتی عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد». بنابراین مؤسسات عمومی غیردولتی، در حقیقت دولت را در انجام وظایف و خدمات عمومی یاری می‌کنند و به نحوی کارگزاری دولت در این زمینه‌ها تلقی می‌شوند (خانی، داود، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸/۸/۲).

الزام به ارائه اطلاعات، همیشه یکی از سرفصل‌های اصلی مقررات راجع به اوراق بهادار بوده است. با توجه به منافی که ارائه عمومی و خصوصی اطلاعات دارد قوانینی راجع به منع مدیران از سوءاستفاده از اطلاعات شرکت‌ها، ارائه اطلاعات و ساختار بازارهای مالی وضع گردیده‌اند. با این

۱۸۴ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

حال، ارائه اطلاعات می‌تواند به رقابت نیز کمک نماید و می‌تواند راهکار فرعی اجرای سیاست‌های حقوق رقابت تلقی گردد. در بازارهای با شفافیت بیشتر احتمال تحقق اهداف حقوق رقابت بیشتر است. یکی از شرایط اصلی برای داشتن رقابتی مؤثر این است که اطلاعات در سطح وسیع و با کمترین هزینه فراهم باشد زیرا عدم وجود اطلاعات، فعالیت عادی بازار را به مخاطره می‌اندازد (بورد ات ال، ۲۰۰۲: ۱۱). از طرف دیگر یکی از کارکردهای اصلی بخش خدمات مالی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است. اطلاعات در بازارهای مالی و بازارهای اوراق بهادار نقشی مهم‌تر نیز دارد زیرا این بازارها بیشتر از بازارهای کالاهای عینی در معرض ریسک اطلاعات غلط و گمراه‌کننده قرار دارند. ویژگی منحصر به فرد بازارهای مالی که همان اطلاعات محوری آن‌ها، معضل اطلاعات نامتقارن و متعارض و مسایل و مشکلات دلالی در بازار است سبب گردیده که شفافیت در این بازارها اهمیتی بسیار زیادتر در مقایسه با سایر بازارها داشته باشد (باقری و سیدی، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۳). نهایتاً بازارهای مالی به اطلاعات و ارائه به‌موقع و مؤثر آن‌ها وابسته‌اند. شفافیت در بازارهای مالی سبب می‌گردد بازارهای مالی مستقل، فاقد ارتباط فیزیکی و حتی دور از هم از نظر جغرافیایی به منافع ناشی از تمرکز در بازارهای مالی دست یابند.

پیشرفت فناوری در کنار مقررات جدید تأثیر زیادی بر تولید و مهیا بودن اطلاعات در بازارهای اوراق بهادار داشته و سبب تغییر ماهیت رقابت در این بازارها شده است البته فواید دسترسی به اطلاعات به توانایی تجزیه و تحلیل آن‌ها بستگی دارد. بر اساس سیاست‌های رقابتی شفافیت به امکان نوسان بیشتر درآمد و سود منتهی می‌شود. زمانی که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند، ورشکستگی و رسوایی پاره‌ای از شرکت‌ها به تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش‌دهی اطلاعات ضعیف کرد و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح گردید. به دلیل کاهش اعتماد عمومی، نیاز به اطلاعات بیشتر و بهتر افزایش یافته و منجر به تقاضای موكد در خصوص شفافیت بیشتر اطلاع‌رسانی شرکت‌ها شده است (نوبخت، ۱۳۸۵).

مجموعه مقررات بازارهای اوراق بهادار باید با فراهم آوردن چهارچوبی پویا، تمامی شیوه‌های مقرراتی، نظارتی و قوانین داخلی بازارها را بکار گیرد. با این وجود هسته اصلی و پایه‌ای این مقررات الزام به شفاف‌سازی است. به طور کلی می‌توان گفت که مقررات اوراق بهادار، ارائه کامل اطلاعات و از بین بردن کلاهبرداری و سوءاستفاده از اطلاعات را در اولویت خود قرار داده‌اند (باقری، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۳).

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... / ۱۸۵

تغییر و تحولات سریع جهان امروز، تنها به واسطه پشتوانه‌های اطلاعاتی افراد، سازمان‌ها و بازارها قابل کنترل است. این چالش‌های فرا روی مدیران امروزی در تصمیم‌گیری‌ها، باعث توجه اساسی آن‌ها به صحت و شفافیت اطلاعات مربوط به موضوع شده است. نیاز به اطلاعات صحیح و به‌موقع جهت تصمیم‌گیری و انتخاب استراتژی‌های مناسب، روند رو به رشدی را در پیدایش شکل‌های مختلف جریان‌های ارتباطی و شبکه اطلاعاتی در تمامی سازمان‌ها و بازارها داشته است (ابراهیمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۲ به نقل از: مدهاوان و دیگران، ۲۰۰۵). در واقع ایجاد شفافیت اطلاعاتی در سازمان‌ها و بازارها، عنصر بسیار مهمی جهت تصمیم‌گیری و کنترل جریان صحیح داده‌ها می‌باشد. در میان بازارها، بازاری که نیاز به شفافیت اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری افراد و سازمان‌ها را بیشتر در خود احساس می‌کند، بازار سرمایه است. بازار سرمایه به مثابه بخشی از بازارهای مالی، نقش مهمی را در اقتصاد بازی می‌نماید. از طریق چنین بازارهایی است که پس‌اندازهای افراد و سازمان‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد ملی، برای سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف به شرکت‌ها منتقل می‌شود. به علاوه، بازارهای مالی چشم‌انداز آتی بنگاه‌های اقتصادی را ارائه می‌کند. در این بازار، اطلاعات یکی از منابع با ارزش و اصلی است و در یکپارچه‌سازی و رقابتی کردن بازار، به طوری که اطلاعات در زمینه قیمت، حجم معامله و غیره به طور شفاف و به‌موقع در اختیار همگان قرار داده شود، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. بنابراین ایجاد شفافیت در بورس اوراق بهادار می‌تواند اطلاعات را با سرعت و فوریت و با کمترین هزینه در اختیار همگان قرار دهد و جهت بازار را به سمت بازاری کارآمد پیش برد (عباسی و ابزری، ۱۳۸۸: ۳ و ۲).

اهداف تحقیق

بررسی الزامات حقوقی - اقتصادی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در زمینه ارائه اطلاعات مالی به سازمان بورس و اوراق بهادار (موضوع ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه‌های آن) در راستای افشای اطلاعات و شفاف‌سازی مالی این مؤسسات که به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی خوب، حاکمیت قانون و حقوق شهروندی محسوب می‌شود و بررسی چرایی و چگونگی موضوع افشای اطلاعات این مؤسسات، موانع، چالش‌های پیش‌رو، نقاط ضعف و قوت و آثار و نتایج حاصل از آن. اهداف فرعی این تحقیق به شرح زیر است:

۱۸۶ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

۱. بررسی آثار اقتصادی و حقوقی ارائه درست و کامل اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در ایجاد فضای رقابتی سالم و منصفانه، کاهش تبعیض، بی‌اعتمادی و بهبود نظارت عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی و اقتصادی.
۲. بررسی کارآمدی قوانین و مقررات (نظام حقوقی) حاکم بر ابعاد نظارتی مرتبط با ارائه اطلاعات مالی و شفاف‌سازی مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار.
۳. بررسی ضمانت‌های اجرایی مصوب و قابلیت اجرایی آن‌ها در برخورد با نهادها و مؤسساتی که از ارائه اطلاعات مالی در زمان مقرر به سازمان بورس و اوراق بهادار استنکاف نموده و در افشای اطلاعات خود با سازمان بورس و اوراق بهادار همکاری نمی‌کنند.
۴. شناسایی چالش‌ها و موانع پیش‌روی سازمان بورس و اوراق بهادار در اجرای ماده قانونی مورد بحث و دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قانون و دستورالعمل‌های اجرایی و ارائه پیشنهادات کاربردی.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در نگارش و تدوین پژوهش حاضر، از روش اسنادی و گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از منابع علمی و معتبر داخلی و خارجی اعم از کتاب، مطبوعات و نشریات، متون حقوقی، قوانین و مقررات، مقاله‌های علمی و پژوهشی، شبکه‌ها و سایت‌های اینترنتی و غیره) استفاده شده است.

مروری بر تحقیقات پیشین

الف - صادقی، مقدم و نوروزی، محمد (۱۳۸۹)، تحقیقی تحت عنوان «نقد و بررسی نظام افشای اطلاعات در بورس ایران» انجام داده‌اند که نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که در نظام افشای اطلاعات، قانونگذاران بیشترین تأکید خود را بر انتشار اطلاعات مهم دارند و صورت‌های مالی که در واقع جمع‌بندی و مروری در اطلاعات مهم شرکت در یک دوره مالی معین می‌باشد، بیانگر وضعیت مالی شرکت است که باید تحت معیارهای واحد حسابداری و حسابرسی که به وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین می‌شود افشا شوند.

ب - ابراهیمی‌نژاد، مهدی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی روش‌های افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه ایران و انتخاب روشی بهینه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی» به این

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... / ۱۸۷

نتایج دست یافته‌اند: روش افزایش آگاهی از دید سرمایه‌گذاران، کارگزاران و کارشناسان به‌عنوان روشی بهینه در شفاف‌سازی بورس شناخته می‌شود و روش‌های وضع و اجرای قوانین و خصوصی‌سازی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

ج - سینایی، حسین علی و داودی عبدالله (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان «بررسی روابط شفاف‌سازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه‌گذاران در بررسی اوراق بهادار تهران» به این نتایج دست یافته‌اند که ابعاد سه‌گانه شفافیت یعنی افشای اطلاعات مالی و شفافیت ساختار مالکیت و شفافیت ساختار هیأت مدیره بر رفتار سرمایه‌گذاران در بورس تأثیرگذار است، البته بیش از هر چیز، سرمایه‌گذاران به افشای اطلاعات مالی اهمیت می‌دهند.

د - باقری، محمود و سیدی، جواد (۱۳۸۷)، تحقیقی با عنوان «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس» انجام داده‌اند که نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از دیدگاه هنجاری الزام به ارائه اطلاعات، همیشه به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم مقررات اوراق بهادار بوده است که به همان اندازه نیز می‌تواند به افزایش رقابت در بازار کمک کند. مسأله اساسی در اینجا، ناسازگاری اهداف حقوق رقابت از یک طرف و اهداف مقررات بازارهای بورس در زمینه حمایت از برخی بخش‌ها و ایجاد ثبات است که هدف یکی، داشتن رقابت بیشتر و دیگری داشتن بازاری باثبات با نقدینگی بیشتر است که انتخاب هر کدام از این‌ها دشوار است و پیدا کردن راه‌حلی که هر دو هدف را تأمین کند دشوارتر است. از نظر نویسندگان، بهترین راه‌حل قابل تصور برای این اهداف قانونی متعارض، ترکیب هنجارهای مختلف در یک بسته چندگانه، نظارت و نظم خاص بازار و اجازه وجود هم‌زمان این اهداف است که نهایتاً باید در یک چهارچوب حل شود و امکان همکاری و تهاثر را بین اهداف مختلف و شکل‌گیری راه‌حل مطلوب از طریق چرخش به سمت سیستم قانونی یکپارچه و پویا که بیشتر مبتنی بر ارائه اطلاعات تا ایجاد قوانین ماهوی باشد، صورت گیرد. چنین سیستم قانونی نه‌تنها به اوضاع و احوال اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اداری وابستگی دارد بلکه به نحوه سازماندهی راهکارهای قانونی مختلف نیز بستگی دارد. با کنار رفتن سیستم مقرراتی سابق، به نظر می‌رسد نظام قانونی که کمتر مداخله نماید و بتواند اهداف قانونی و نظارت قانونی را یکپارچه و متوازن کند، طراحی گردد.

مبانی مفهومی و نظری

حاکمیت قانون و پیامدهای اقتصادی آن

حاکمیت قانون منجر به برقراری نظم حقوقی می‌گردد که یکی از مؤلفه‌های اصلی برقراری نظم اجتماعی و سیاسی است. در این نظم حقوقی، شکل‌گیری و فعالیت‌های نهادها و مؤسسات حکومتی امکان‌پذیر گردیده و تعاملات و روابط آن‌ها با شهروندان نهادینه شده و سامان می‌یابد. مهم‌ترین هدف حقوق، جایگزین ساختن پیروی صلح‌جویانه از قواعد مشترک، به‌جای اطاعت از این قوانین با زور و اجبار است. تفاوت حکومت‌های مبتنی بر حاکمیت قانون با حکومت‌های مبتنی بر اصول و هنجارهای غیر از حاکمیت قانون نیز، نظم حقوقی متفاوت در هر یک از آن حکومت‌هاست. بر این مبناست که می‌توان گفت «حاکمیت قانون مبین موقعیتی است که در آن شهروندان و مقامات، رفتار خود را با قواعد شناخته شده عمومی که پذیرفته شده و بر همگان الزام‌آور است، تنظیم و کنترل می‌نمایند.

از مهم‌ترین پیامدهای حقوقی حاکمیت قانون، پیش‌بینی‌پذیر ساختن اوضاع و احوال است که به فرد امکان می‌دهد تا با اطلاع از قوانین و مقررات موجود و برخوردار از آگاهی کلی نسبت به عواقب اعمال خویش، بتواند برنامه‌ریزی کرده و اهداف و برنامه‌هایش را دنبال کند، که در این زمینه ویژگی‌های مختلف قانون که از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه حاکمیت قانون شمرده می‌شود، تأثیرگذار می‌باشد، تا آنجا که از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران می‌توان نظریه حاکمیت قانون را تنها به وسیله ویژگی‌های قانون تعریف نمود. پنج مورد از ویژگی‌های قانون، در پیش‌بینی پذیر ساختن اوضاع و احوال، نقشی عمده ایفاء می‌کنند که عبارت‌اند از: عام بودن، معطوف به آینده بودن، منتشر شدن یا در دسترس همگان قرار گرفتن، واضح بودن و بالاخره ثبات نسبی قانون.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی حاکمیت قانون، فراهم شدن زمینه برای رقابت برابر اقتصادی است، چنانچه «ماکس وبر»^۱ نیز معتقد است، در جامعه‌ای که در آن امکان رقابت وجود دارد، حاکمیت قانون ضروری است، چرا که فرض بر این است چنین جامعه‌ای، متشکل از عده زیادی سرمایه‌گذار است که به لحاظ قدرت اقتصادی، کم و بیش برابرند. در نظامی که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شده باشد، فرصت‌های جذاب برای فعالیت‌های اقتصادی به نحو برابر برای همگان وجود دارد و

^۱. Max weber

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۸۹/

تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است.

از سوی دیگر حاکمیت قانون تأثیرات به‌سزایی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست‌های پولی، سیاست‌های مربوط به خصوصی سازی، مسائل مربوط به بودجه و به‌طور کلی، مدیریت مالی شفاف و غیره دارد. صندوق بین‌المللی پول در بند ۱-۲ «مجموعه تجربیات مفید صندوق در زمینه شفافیت مالی^۱، لازمه مدیریت مالی را چهارچوب روشن حقوقی و اداری بیان کرده و سه عامل اصلی در چهارچوب حقوق بدین شرح برشمرده شده است:

۱. چهارچوبی جامع برای فعالیت‌های بودجه‌ای و فرابودجه‌ای؛

۲. پایگاه قانونی برای وضع مالیات؛

۳. شاخص‌های رفتاری برای حمایت از شفافیت مدیریت.

بدین ترتیب، آموزه‌های حاکمیت قانون از طرفی پیش‌نیاز مدیریت شفاف و نظام‌مند مالی محسوب می‌شوند و از طرف دیگر، حاکمیت قانون وضعیتی است که با رعایت اصول و مقررات مالی و بودجه استقرار می‌یابد.

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که یکی از مهم‌ترین مولفه‌های نظام مناسب برای سرمایه‌گذاری، وجود حاکمیت قانون است. به نظر مدیرعامل پیشین صندوق بین‌المللی پول، رعایت اصل حاکمیت قانون و برخورداری از یک نظام حقوقی که به حق مالکیت احترام گذارد و قراردادها را محترم شمارد، مبنای بنیادین قضایی برای سرمایه‌گذاری است (ونیود، توماس و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۵۳-۳۵۱).

طیف دیگری از پیامدهای اقتصادی حاکمیت قانون، به تأثیر حاکمیت قانون بر اعمال مؤثر سیاست‌ها و ابزارهای نظارتی و کنترلی در امور دولت و بخش خصوصی و کاهش فساد مالی مربوط است. شفافیت قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی، و عملکرد مناسب دادگاه‌ها در اعمال منصفانه قوانین از اسباب تحقق پیامدهای پیش‌گفته به شمار می‌رود. طبق یک بررسی صورت گرفته در ۱۶۶ کشور (براساس داده‌های جمع‌آوری شده در دوره زمانی ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸)، اهمیت عملکرد دادگاه‌ها در تحقق حاکمیت قانون به روشنی نشان داده شده است. برخی

^۱. code of Good Practices on Fiscal Transparency

۱۹۰ / شفافیت اقتصادی در پرتو حاکمیت قانون با تأکید بر ...

نتایج به دست آمده در این بررسی بیانگر آن است که در کشورهایمانند استونی و مجارستان، عملکرد قابل اعتماد، منصفانه و شرافتمندانه دادگاهها منجر به رونق اقتصادی و کاهش فساد مالی گردیده و بالعکس در کشورهایی چون روسیه و اوکراین، دادگاهها عملکرد بسیار غیرمنصفانه و مغرضانه داشته‌اند و به‌جای این که در خدمت تحقق حاکمیت قانون باشند، از موانع اصلی حاکمیت قانون شمرده می‌شوند. حاکمیت قانون امروزه یکی از اجزای ضروری آنچه که به‌زعم برخی از نهادهای بین‌المللی و صاحب‌نظران «حکمرانی خوب» خوانده می‌شود، تبدیل شده است (ونیو، توماس و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۲۵ - ۳۲۴).

حکمرانی خوب

حکمرانی به مفهوم فرآیندی است که سازمان‌ها و نهادهای عمومی و حکومتی، امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و تحقق حقوق بشر و حقوق شهروندی را تضمین می‌نمایند. حکمرانی خوب اهداف فوق را از طریق نفی سوءاستفاده و فسادهای سیاسی و اداری و با رعایت حاکمیت قانون محقق می‌سازد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). امروزه با طرح مفاهیمی همچون حکمرانی خوب به مثابه یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار، بحث نظارت و پاسخ‌گویی سازمان‌های متصدی امور عمومی، اهمیتی روزافزون یافته است (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی قطعنامه‌ای ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب را در این موارد خلاصه نموده است شفافیت؛ مسئولیت؛ پاسخ‌گویی؛ مشارکت؛ حاکمیت قانون؛ انعطاف‌پذیری (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب‌تر خواهد بود (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۹-۲۵۷).

شفافیت به مثابه یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب

الزام شرکت‌ها و بنگاه‌ها به ارائه اطلاعات مالی خود به سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند در پرتو اصل شفافیت مورد توجه قرار گیرد. در آثار بسیاری از صاحب‌نظران، شفافیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظریه «حکمرانی خوب»، تبیین شده است. توضیح اینکه از اواخر دهه ۹۰، نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاستی با عنوان «حکمرانی خوب» را به‌عنوان کلید معماری توسعه مطرح کردند. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، «حکمرانی خوب» عبارتست از مدیریت امور

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۹۱/

عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه‌های قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومتداری، به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (مرکزالمیری، ۱۳۹۷: ۱۱-۲۵).

پاسخ‌گویی به‌نوبه خود نیازمند شفافیت، کنترل قدرت و تقویت جامعه مدنی بوده تا طرف‌های هم‌سود از عملکرد تصمیم‌گیران مطلع و قدرت مهار آن‌ها را داشته باشند. از طرف دیگر، نارسایی‌های بازار مانند بحران‌های مالی، نتیجه عدم شفافیت در بازارهای سهام و نظام حسابداری شرکت‌های خصوصی است.

برخلاف تصور اولیه، شفافیت پدیده‌ای نیست که همه خواهان آن باشند. شفافیت نیازمند اقدامات دولت برای استانداردسازی نظام‌های پولی، بانکی، آماری، حسابداری و حسابرسی است. همچنین باید با ابزار تشویقی و تنبیهی، مقاومت در برابر شفافیت را شکست و انگیزه ایجاد کرد. هر چند شفافیت راه‌حل انواع مشکلات مانند نوسانات بازارهای مالی، تخریب محیط زیست، پولشویی و فساد شناخته می‌شود اما شفافیت مخالفان بسیاری نیز دارد. به ویژه کسانی که مورد نظارت و بازرسی قرار می‌گیرند، انگیزه قوی برای خودداری از ارائه اطلاعات دارند. بنابراین کلید افزایش شفافیت، ایجاد انگیزه برای دولت‌ها و شرکت‌هاست تا اطلاعات را ارائه کنند (فلورینی، ۱۳۸۳: ۵۲۴).

شفافیت رابطه نزدیکی با پاسخ‌گویی دارد، بنابراین، هدف از فراخوانی برای شفافیت این است که به شهروندان، بازارها یا دولت‌ها اجازه دهد تا سایرین را در قبال تصمیمات و عملکردشان پاسخگو نگهدارند. توالی اعمال اصل شفافیت تا نیل به حکمرانی خوب را می‌توان به ترتیب ذیل نشان داد: شفافیت؛ تقویت جامعه مدنی؛ کنترل اختیارات؛ پاسخ‌گویی؛ و حکمرانی خوب.

شفافیت، نقش بسیار سودمندی در بازارها و حکمرانی ایفاء می‌کند که سزاوار توجه بیشتر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. به نظر می‌رسد که شفافیت کارائی و عملکرد بازارها را افزایش می‌دهد و احتمال بحران‌های مالی را کاهش می‌دهد. بنابراین، چنانچه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بخواهند برای مدیریت نظام مالی بین‌المللی رویکردهای کارآمدی ایجاد کنند، یکی از سودمندترین کمک‌های این مؤسسات می‌تواند ترویج فرهنگ شفافیت باشد (فلورینی، ۱۳۸۳: ۵۲۷-۵۲۵).

۱۹۲ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

پرداخت‌کنندگان مالیات و شهروندان که کاربران گزارش‌های مالی دولت و بنگاه‌های دولتی محسوب می‌شوند، علاقه‌مندند که مقامات دولتی پاسخگو باشند و اطلاعاتی که دریافت می‌کنند، به‌موقع و برای تصمیم‌گیری مفید باشد. در مقیاس گسترده، تهیه گزارش‌های مالی به‌موقع و در خور اتکا، به ایجاد اعتماد و اطمینان به دولت کمک می‌کند؛ گزارش‌های دیرنگام، مفیدبودن و مربوط بودن اطلاعات گزارش‌شده را کاهش می‌دهد و اعتماد شهروندان به دولت را از بین می‌برد (شمس، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت در الگوی رشدی که بر مبنای نظریه حکمرانی خوب صورت‌بندی شده است، رویکردهای نوین شفافیت عملکردها، پاسخ‌گویی دولت‌ها، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولت‌ها مطرح است. به‌طوری‌که شواهد تجربی نیز نشان داده، خصوصی‌سازی و ایجاد دولت حداقل، به‌تنهایی نمی‌تواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به‌همراه داشته باشد و ضروری است که در کنار کوچک‌سازی حجم فعالیت‌های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی از الزامات و سیاست‌ها از قبیل شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات‌زدایی و حاکمیت قانون در کنار سیاست کوچک‌سازی دولت اتخاذ شود.

نقش شفافیت مالی در بازار سرمایه

بازار سرمایه از اجزاء تشکیل‌دهنده بازار مالی است و در واقع یکی از شریان‌های اصلی تأمین مالی در یک اقتصاد محسوب می‌گردد. تأثیر بازار سرمایه در حرکت جریان نقدینگی و منجر شدن به رشد و توسعه اقتصادی، مسئله‌ای مهمی است که اخیراً با نگاه به رشد مساعد بازار سرمایه در ایران مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه رابطه منطقی بین بازار مالی و سایر بخش‌های اقتصادی وجود نداشته باشد، احتمال بروز اختلالات و نقصان‌هایی در ساز و کار اقتصاد وجود دارد. بازار سرمایه به سبب نقش اساسی در گردآوری منابع از طریق پس‌اندازها، بهینه‌سازی گردش منابع مالی و هدایت آن‌ها به سوی مصارف و نیازهای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی تأثیر زیادی در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کند به‌طوری‌که برخی اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که تفاوت اقتصادهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، نه در تکنولوژی پیشرفته توسعه‌یافته‌ها بلکه در وجود بازار سرمایه یکپارچه فعال و گسترده است (فرمان‌آرا و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹).

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۹۳/

شفافیت گزارش‌گری مالی «دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند» است (به نقل از: یوسفی‌اصل و دیگران، ۱۳۹۳: ۴).

شفافیت و افشای اطلاعات مالی، یکی از مؤلفه‌های اساسی مدیریت شرکت‌هاست. زیرا آن‌ها اساس تصمیم‌گیری آگاهانه سهامداران، ذینفعان و سرمایه‌گذاران بالقوه در رابطه با تخصیص سرمایه، معاملات شرکت‌ها و نظارت بر عملکرد مالی هستند. تنظیم‌کنندگان بازار اهمیت شفافیت را به رسمیت شناخته‌اند، در نتیجه قوانین و مقررات متعددی برای اطمینان از افشای به موقع و مطمئن اطلاعات مالی، به وجود آمده و استانداردهایی را ایجاد می‌کند که شرکت‌ها باید به آن پایبند باشند. افشای جامع و پیشگیرانه اطلاعات، به جای انتشار جزئیات حاکمیت شرکت‌ها یا خط‌مشی‌ها مدنظر است (بنجامین فانگ^۱، ۲۰۱۴: ۳).

برخی محققان بر تأثیر شفافیت تمرکز می‌کنند که منجر به اعتماد و مشارکت بیشتر می‌شود و مدیریت کارآمدتر (پاسکویه^۲، ۲۰۱۴: ۲۲) و فساد کمتر ایجاد می‌کند (کاستد و ویگ^۳، ۲۰۰۹: ۱۷).

اطلاعات در چهارچوب مفاهیم گفته‌شده، مایه حیات بازار سرمایه است. اساس بازار سرمایه، شفافیت و اطلاعات است از این‌رو، پذیرش ریسک توسط سرمایه‌گذاران، زمانی توجیح دارد که اطلاعات نشر شده در این بازار قابل اتکا بوده و در ضمن، این بازار بر اساس اصل شفافیت عمل کرده باشد. به‌منظور بقای بازارهای سرمایه، لازم است سرمایه‌گذاران اطلاعات شرکت‌ها را صحیح، کامل، قابل اطمینان و به‌موقع بدانند. از سوی دیگر، بورس اوراق بهادار به عنوان بخشی از بازار سرمایه، نقش بسیار مهمی در هدایت پس‌انداز به بخش‌های تولید اقتصادی در همه کشورها ایفا می‌نماید، بورس آیینة اقتصاد کشور است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

مبنای اصلی تحمیل الزامات قانونی مربوط به افشای اطلاعات برای ناشران اوراق بهادار نیز ایجاد امکان تصمیم‌گیری آگاهانه برای سرمایه‌گذاران است، اگر ناشر اطلاعات را نادرست منتشر کند یا از افشای برخی اطلاعات با اهمیت که اثر قابل‌توجهی بر تصمیم سرمایه‌گذاران و قیمت اوراق بهادار دارد خودداری کند، سرمایه‌گذاران از دو جهت متضرر خواهند شد: از یک‌سو، امکان تصمیم‌گیری

^۱. Benjamin Fung

^۲. Pasquier

^۳. Kolstad and Wiig

۱۹۴ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

آگاهانه از سرمایه‌گذاران سلب می‌شود و از سوی دیگر آن‌ها مجبور به معامله با قیمتی غیرواقعی خواهند شد (شمس‌الهی، ۱۳۹۸: ۱۴۵).

این امر دارای آنچنان اهمیتی است که برخی نظام‌های حقوقی، برای جبران زیان‌های ناشی از نقض این الزامات، مسئولیت مدنی در نظر گرفته‌اند. برای نمونه در ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ عناوین خاص مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است (شمس‌الهی، ۱۳۹۸: ۱۴۶). در هر صورت شفافیت و افشای کامل و صادقانه اطلاعات عاملی کلیدی در کارکرد مطلوب یک بازار کارای سرمایه می‌باشند (عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۰) به نقل از: (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۵).

ضرورت شفاف‌سازی اقتصادی

بدون تردید یکی از چالش‌های اصلی در زمینه اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نبود بخش خصوصی کارآمد در ایران و فضای ابهام‌آلود و نامطمئن در کشور به سبب فقدان اطلاعات دقیق و شفاف در مورد نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی است که توان و انگیزه بخش خصوصی واقعی را برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی تضعیف کرده است. نگاهی به عملکرد صندوق‌های بازنشستگی و برخی از سوءاستفاده‌ها در شرکت‌ها و البته به برخی نهادها، گویای آنست که هرچا شفافیت اطلاعاتی، نظارت عمومی و پاسخ‌گویی کافی نباشد احتمال بروز فساد و سوءمدیریت بیشتر است.

در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸ و اصلاحیه‌های پس از آن مبنی بر ارائه اطلاعات کامل مالی نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی به سازمان بورس، علی‌رغم در نظر گرفتن ضمانت‌های اجرایی لازم، به نظر می‌رسد اشکالاتی در این زمینه وجود دارد. بنابراین ضرورت دارد که از سوی سازمان بورس در این زمینه آسیب‌شناسی لازم صورت گیرد و پیشنهادهای کاربردی و راهبردی لازم به دولت و مجلس جهت تسریع در اجرای قانون ارائه شود. از طرفی دیگر، تصور می‌شود سازمان بورس علی‌رغم پیش‌بینی مواردی به عنوان ضمانت اجرای این ابلاغیه (طبق قانون) از ابزارهای قانونی کافی برای مکلف کردن نهادها و شرکت‌های عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی در جهت افشای اطلاعات‌شان برخوردار نیست که شایسته است مورد توجه و بررسی بیشتر قرار گیرد.

مسئله شفافیت بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی، همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است. پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون مربوطه در

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۹۵/

سال ۱۳۸۷ با توجه به اینکه اجازه واگذاری شرکت‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی داده شد، این دغدغه به وجود آمد که چگونه نهادهای نظارتی می‌توانند بر فعالیت‌های اقتصادی در این نهادها رصد داشته باشند؛ باید چه ملاحظاتی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی در نظر گرفته شود تا سهم بهینه بخش خصوصی در کنار بخش دولتی و بخش عمومی غیردولتی حفظ شود. با توجه به اینکه بر اساس قانون اجازه داده شده بود نهادهای عمومی غیردولتی در کنار بخش خصوصی تا ۴۰ درصد سهم بازار را در اختیار داشته باشند.

البته یکی از مشکلات، نبود تقسیم‌بندی مناسب در زمینه فعالیت نهادهای عمومی غیردولتی و مشخص نبودن جایگاه نهاد نظارتی برای فعالیت این نهادهاست. البته در قانون مدیریت خدمات کشوری، تعریفی در این زمینه ارائه شد؛ نگاه مصداقی که تا قبل از این وجود داشته تفکیک و تقسیم‌بندی نهادهای غیردولتی عمومی را با مشکل مواجه کرده است. به طور مثال برخی نهادهای عمومی غیردولتی که فعالیت کاملاً فرهنگی دارند اما با توجه به تعریف فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. اما مسئله این بود که فعالیت این نوع گروه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی قابل انطباق با نظام اقتصادی کشور نبود. از طرف دیگر این سؤالات به طور جدی در مورد فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی با توجه به اینکه قانون، ۴۰ درصد بازار را در اختیار قرار داده مطرح شد که این نهادها در چه زمینه‌هایی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؟ چارچوب و ملاحظات فعالیت‌های اقتصادی این گونه نهادها چیست؟ چه نهادی مسئول نظارت بر فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی است؟ به همین منظور در جهت نظم بخشیدن، شفاف‌سازی و سامان دادن به فعالیت نهادهای عمومی غیردولتی و تقسیم‌بندی مناسب این گروه‌ها در نظام اقتصادی به تدریج گام‌هایی از سوی دولت و مجلس برداشته شد. در مرحله اول، کمیسیون اصل ۴۴ مجلس در سال ۱۳۹۳ اولین اصلاحیه را در ماده اصل ۶ اصل ۴۴ قانون اساسی انجام داد و نهادهای عمومی غیردولتی را ملزم کرد اطلاعات و گزارش فعالیت‌های مالکیت مستقیم و غیرمستقیم‌شان را به شورای رقابت بدهند و باید مکلف به رعایت سقف ۴۰ درصد در بنگاهداری باشند.

اولین قدم در جهت شفاف‌سازی فعالیت نهادهای عمومی غیر دولتی در همان اصلاحیه ماده ۶ قانون اساسی برداشته شد و به‌طور کلی در زمینه نظارت و کنترل فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی

۱۹۶ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

غیردولتی ملاحظاتی در نظر گرفته شد اما این امر به تنهایی نمی‌توانست زمینه شفافیت فعالیت اقتصادی این‌گونه نهادها را فراهم کند. به همین جهت در سال ۱۳۹۵ دولت و مجلس در جهت تسریع در این امر، قانون را برای تمامی گروه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی که اطلاعات‌شان را افشا نمی‌کردند، چون نهادهای نظامی، انتظامی، سازمان‌ها و مؤسسات خیریه، نهادهای وقفی، بقاع متبرکه، کلیه صندوق‌های بازنشستگی اعم از لشگری و کشوری و نهادهای انقلاب اسلامی لازم‌الاجرا کرد.

به‌رغم اینکه قانون در این زمینه اجرایی شده است اما همان‌طور که اشاره شد متأسفانه، بیشتر نهادهای مربوطه خود را مکلف به پاسخ‌گویی نمی‌دانند. به نظر می‌رسد ابزارهای قانونی در این زمینه کامل نیستند. البته در قانون مربوطه، ضمانت اجرایی هم در نظر گرفته شده و مجازات‌هایی نیز پیش‌بینی شده است اگر این نهادها شفاف‌سازی انجام ندهند و اطلاعات‌شان را نزد سازمان بورس افشا نکنند، اما به نظر می‌رسد این نوع تمهیدات نمی‌تواند باعث مکلف شدن این نهادها به افشای اطلاعات‌شان شود. اگر دولت و مجلس می‌خواهند در فعالیتهای نهادهای خاص و نهادهای عمومی غیردولتی نظم و سامان ایجاد کنند باید بسیار جدی با نهادها و سازمان‌هایی که اطلاعات نمی‌دهند، برخورد کنند. اگرچه در قانون، ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است اما به نظر می‌رسد اشکالاتی در این زمینه وجود دارد که مانع شده است تا سازمان بورس بتواند به وظیفه خود در این زمینه عمل کند. به همین جهت لازم است که سازمان بورس در این زمینه آسیب‌شناسی انجام دهد و پیشنهادهای لازم را به دولت و مجلس در جهت تسریع در اجرای قانون ارائه کند.

به‌طور مثال یکی از ضمانت‌های اجرایی تأکید دارد سازمان ثبت شرکت‌ها به موجب قانون مربوطه اجازه ندارد اسناد مالی نهادهای عمومی غیردولتی را که از سازمان بورس مجوز ندارند ثبت کند. سازمان بورس فقط در شرایطی مجاز است به این شرکت‌ها مجوز بدهد که این شرکت‌ها از قبل گزارش‌های مالی‌شان را منتشر کرده باشند. اما اشکال حقوقی دیگری در این زمینه ایجاد می‌شود زیرا قانون تجارت، قوانین دیگری دارد و با استناد به قانون تجارت این نهادها می‌توانند از این مانع عبور کنند.

صرف تصویب یک قانون در این زمینه نمی‌تواند باعث شود تا سیاستگذار به هدف اصلی خود در تصویب و اجرای قانون مربوطه دست پیدا کند. لذا باید فرایندهای اجرایی تعریف و ضمانت‌های اجرایی لازم بر اطمینان از اجرای قانون هم به جد در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه دو سال از

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۹۷/

زمان اصلاح بند ۶ اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گذرد، باید حتماً در این زمینه شورای رقابت و سازمان بورس آسیب‌شناسی انجام دهند تا مشخص شود علت عدم موفقیت در این زمینه چیست یا اگر سازمان بورس و شورای رقابت، توانایی لازم در این زمینه ندارند باید رسماً این موضوع را اعلام کنند تا در این زمینه دولت و مجلس و قوه قضائیه تمهیدات و ضمانت اجرایی جدی‌تری را در نظر بگیرند.

براساس ضمانت اجرایی دیگر این قانون، بانک مرکزی و بانک‌های کشور، باید حساب‌های بانکی شرکت‌هایی را که گزارش‌های مالی‌شان را منتشر نکرده‌اند، مسدود کنند.

مسدود کردن حساب‌های بانکی به حکم قضایی احتیاج دارد و از آن مهم‌تر باید ترتیب عدم اجرا و عدم اقدام مشخص شود و مثلاً اگر نهادهای شبه‌دولتی اطلاعات خود را ندهند در کدام دسته‌بندی این سه نوع ضمانت اجرایی قرار می‌گیرد که در مقابل، قوه قضائیه بتواند حکمی صادر کند.

سازمان بورس اعلام کرده است بالغ بر ۱۹ هزار شرکت شبه‌دولتی در اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند. با توجه به این موضوع شفاف‌سازی مالی این حجم بزرگ از شرکت‌های شبه‌دولتی چه الزامات و پیش‌نیازهایی لازم دارد؟ ضروری است فهرست شرکت‌های شبه‌دولتی به‌طور شفاف تهیه شود و در اختیار نهادهای نظارتی قرار گیرد تا بر اساس آن بتوان پیگیری لازم برای افشای اطلاعات نهادهای عمومی غیردولتی را انجام داد. به هر حال ۱۹ هزار شرکت شبه‌دولتی که سازمان بورس اعلام کرده است، در اقتصاد کشور فعالیت می‌کنند باید در جایی به ثبت رسیده باشند. این امر یکی از الزامات و پیش‌نیازها در نظم و سامان بخشیدن به فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی است و به تسریع روند افشای اطلاعات این شرکت‌ها کمک می‌کند.

چندی پیش رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس درباره علت عدم افشای اطلاعات نهادهای شبه‌دولتی گفته بود وقتی از شش وزیر دولت پیگیری کردیم که چرا شرکت‌های شبه‌دولتی و زیر مجموعه‌هایشان اطلاعات مالی‌شان را افشا نمی‌کنند، گفته‌اند قانون قبلی از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبود یا اینکه اطلاعات، محرمانه است و نمی‌توانند این نهادها را ملزم به پاسخ‌گویی کنند. با توجه به این امر آیا این نهادها به صرف اینکه اطلاعات محرمانه هستند، می‌توانند از افشای اطلاعات‌شان طفره بروند؟ طبقه‌بندی اطلاعات، تعریف دارد و دامنه اطلاعات محرمانه، مشخص است. اما به این نکته نیز توجه کنید در قوانین و مقررات مربوطه تأکید نشده است که اطلاعاتی که سازمان بورس و شورای رقابت

۱۹۸ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

از نهادهای شبه‌دولتی دریافت می‌کنند، باید حتماً در دسترس عموم قرار گیرد. ظاهراً محرمانه تلقی کردن اطلاعات و طفره رفتن از پاسخ‌گویی به این معنی است که این نهاد نمی‌خواهد اطلاعاتشان را در اختیار سازمان بورس و شورای رقابت قرار دهد.

با توجه به اینکه دامنه اطلاعات محرمانه، طبق قانون مشخص است، حتی می‌توان از تجربه کشورهای موفق در این زمینه استفاده کرده و مشخص نمود کدام اطلاعات برای اعلام عمومی قابل انتشار است و کدام اطلاعات باید محرمانه باشد. به هر شکل عنوان کردن این‌گونه نقل قول‌ها نشان می‌دهد که در زمینه اجرای قانون مربوط، مشکلاتی وجود دارد باید بازنگری‌های لازم صورت گیرد.

یکی از نکات مهم در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بحث شفاف‌سازی، رقابت‌پذیری و ایجاد فضای رقابتی است. بنابراین وقتی می‌بینیم فضای عادلانه در دسترس عمومی به منابع و اطلاعات فراهم نشده است، این امر نشان می‌دهد ما هنوز نتوانسته‌ایم به اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دست پیدا کنیم. نتیجه آن نیز در عدم موفقیت خصوصی‌سازی پدیدار شده است که باید در این زمینه بازنگری شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مسأله شفافیت و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است. یکی از چالش‌های اصلی در زمینه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نبود بخش خصوصی کارآمد در ایران و فضای ابهام‌آلود سرمایه‌گذاری در کشور به سبب فقدان اطلاعات دقیق و شفاف در مورد بنگاه‌های اقتصادی از جمله نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی است.

- شفاف‌سازی و افشای اطلاعات به عنوان یکی از شاخص‌های حاکمیت قانون تلقی می‌گردد و عدم همکاری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در افشاء اطلاعاتشان می‌تواند به نقض اصل بنیادین حاکمیت قانون بیانجامد.

- اجرای صحیح و دقیق شفاف‌سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نزد سازمان بورس (تکالیف قانونی ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه‌های آن، می‌تواند سبب شکل‌گیری فضای رقابتی سالم و منصفانه شده و از گسترش رانت،

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۱۹۹/

فساد، تقلب، انحصار و غیره جلوگیری کرده و موجب افزایش نظارت و پاسخ‌گویی و سرمایه اجتماعی گردد.

- به نظر می‌رسد سازمان بورس برای مکلف کردن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به ارائه و افشای اطلاعات مالی‌شان از سازوکارها و ابزارهای قانونی اجرایی و نظارتی کافی برخوردار نیست.
- صرف مقررات‌گذاری برای ارائه اطلاعات مالی صحیح و به موقع کافی نیست و اعمال اصلاحات نهادی و ساختاری، فرهنگ‌سازی و ایجاد سیستم انگیزشی مناسب ضروری است.

۱- جوادى، شيما؛ نداى نيا، رضا و منصور فيضى (۱۳۸۸)، نکاتی برای مدیریت ریسک مخاطرات برای کارکنان آزمایشگاه‌ها، نشریه علمی- پژوهشی همای سعادت، شماره سی و سوم، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، ص: ۲۱.
۲- دهدشتی، علیرضا، حافظی، رودابه (۱۳۹۴)، ارزیابی ریسک بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست در آزمایشگاه دانشگاهی: یک مطالعه موردی، سلامت کار در ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص: ۶۶-۸۶.

۳- مجتبابی، محمد (۱۳۹۱)، مدیریت حفاظت و ایمنی در آزمایشگاه، www.fpp.ir.

۴- مجلسی، منیره؛ خالویی، علی و مهدی پور رابری، محسن (۱۳۹۴)، بررسی وضعیت رعایت استانداردهای ایمنی در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی شهر کرمان در سال ۱۳۹۳، مجله ارتقای ایمنی و پیشگیری از مصدومیت، دوره ۳، شماره ۲ (۱۳۹۴)، ص: ۹۰-۸۳.

۵- نمازی، مینو، صادقی‌فرد، ناصر (۱۳۸۴)، سیستم مدیریت ایمنی، نشر مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، شماره ۲۰۴، اردیبهشت ۸۸، ص: ۶۶-۶۳.

۶- British Standards Group/Occupational Health and Safety Assessment Series (OHSAS ۱۸۰۰۱), (۲۰۰۷). London W4 4AL, UK.

۷- Chiarini A (۲۰۱۳) "Relationships between total quality management and Six Sigma inside European manufacturing companies: a dedicated survey". International journal of productivity and quality management. ۲۰۱۳; ۱۱(۲): ۱۷۹-۹۴

۸- Elmholt KL, Sondrup A. Sustainable Enterprise Excellence from a SME Perspective. Master's thesis. Aarhus University, Business and Social Sciences, Department of Business Administration. ۲۰۱۳, Pages ۱-۹۲.

۹- Katherine Marsden. Evaluating errors in the laboratory identification of von Willebrand disease in the real world, Thrombosis Research, Volume ۱۳۴, Issue ۲, August ۲۰۱۴, Pages ۳۹۳-۴۰۳.

۱۰- Fatma Lestari, Budiawan, Meily L. Kurniawidjaja, Budi Hartono (۲۰۱۵). Baseline survey on the implementation of laboratory chemical safety, health and security within health faculties laboratories at Universitas Indonesia, Journal of Chemical Health and Safety, Volume ۲۳, Issue ۴, July-August ۲۰۱۶, Pages ۳۸-۴۳.

۱۱- Fleischer M, Troege M. Organising Product Stewardship in Large Chemical Companies. Journal of Business Chemistry. ۲۰۰۴; ۱(۲): ۲۳-۲۷.

۱۲- Ghahramani. Abolfazl (۲۰۱۶). Factors that influence the maintenance and improvement of OHSAS ۱۸۰۰۱ in adopting companies: A qualitative study Journal of Cleaner Production, Volume ۱۳۷, ۲۰ November ۲۰۱۶, Pages ۲۸۳-۲۹۰.

فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت..... ۲۰۱۱ /

- ۱۳- Kean Eng Koo, M.D. Ahmad Nurulazam, M.Z. Siti Rohaida, Tang Ghee Teo, Zulhisyam Salleh (۲۰۱۴). Examining the Potential of Safety Knowledge as Extension Construct for Theory of Planned Behaviour: Explaining Safety Practices of Young Adults at Engineering Laboratories and Workshops, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume ۱۱۶, ۲۱ February ۲۰۱۴, Pages ۱۵۱۳-۱۵۱۸.
- ۱۴- Khwanjai Wangkahat, Somboon Nookhai, Vallerut Pobkeeree, (۲۰۱۲) "Public health laboratory quality management in a developing country", *International Journal of Health Care Quality Assurance*, Vol. ۲۵ Iss: ۲, pp.۱۵۰ - ۱۶۰.
- ۱۵- Lafuente Abad J, E, Vilajosana J. An assessment of the OHSAS ۱۸۰۰۱ certification process: Objective drivers and consequences on safety performance and labour productivity. *Safety science*. ۲۰۱۳; ۶۰(۱): ۴۷-۵۶.
- ۱۶- Lina Y-H, Chenb C-Y, Luoa J-L. Gender and age distribution of occupational fatalities in Taiwan. *Accident Analysis and Prevention* ۲۰۰۸; ۴۰ ۱۶۰۴-۱۰.
- ۱۷- Lindroos O, Burström L. Accident rates and types among self-employed private forest owners. *Accident Analysis and Prevention* ۲۰۱۰; ۴۲ ۱۷۲۹-۳۵. ۱۷.
- ۱۸- Valenstein PN, Raab SS, Walsh MK. Identification errors involving clinical laboratories. *Arch Pathol Lab Med*. ۲۰۰۶; ۱۳۰(۸): ۱۱۰۶-۱۳.

قوانین و مقررات

- «آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار تهران» (مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۱ بورس اوراق بهادار تهران).
- «آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید (به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی)» (مصوب ۱۳۹۰/۸/۱ هیأت وزیران).
- «آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ هیأت وزیران).
- «دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان» (مصوب ۱۳۸۶/۵/۳ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار).
- دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته ناشران بورسی و فرابورسی» (مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۳ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار).
- «دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» (مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار).
- «دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی» (مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۱ شورای عالی بورس و اوراق بهادار).

۲۰۲ / شفافیت اقتصادی در پرتو ماکمیت قانون با تأکید بر ...

- «دستورالعمل توثیق اوراق بهادار» (مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۹ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار).
- «دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران» (مصوب ۱۳۹۷/۴/۲۷ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار).
- «قانون اصلاح بند (۵) ماده (۶) و ماده (۲۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۸).
- «قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۹۷/۳/۲۲).
- «قانون اصلاح مواد (۳)، (۶) و (۲۴) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۹۵/۶/۷).
- «قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۹۳/۴/۱).
- «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۱).
- «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸).
- «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶).
- «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۸۴/۹/۲).
- «قانون تأسیس بورس اوراق بهادار» (مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۷).
- «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» (مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹).
- «قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی» (مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲).
- «قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» (مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵).
- «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» (مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹).
- «قانون محاسبات عمومی کشور» (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱).
- «قانون مدیریت خدمات کشوری» (مصوب ۱۳۸۶/۷/۱۸).

Economic Transparency and the Rule of Law Emphasizing Article (۶) of the Law on the Implementation of General Policies, Article ۴۴ of the Constitution

Laleh Shahbazi^۱, Ahmad Markazmalmiri^۲, Erfan Shams^۳ and Abdolreza Barzegar^۴

Abstract

This article aims to describe the state of clarification and how to present and disclose financial information of companies and economic enterprises Securities and Exchange Organization (in line with the legal duties of Article (۶) of the Law on the Implementation of General Policies, Article ۴۴ of the Constitution)

Islamic Republic of Iran (approved by the Islamic Council on ۲۰۰۸/۰۱/۲۸) and numerous amendments in ۲۰۱۴, ۲۰۱۶, ۲۰۱۸ and ۲۰۱۹, as one of the indicators of the rule of law.

Disclosure and presentation of accurate, transparent and timely financial information of companies and economic enterprises to the stock exchange organization It can provide a healthy and fair competitive environment in the society because wherever there is information transparency, public supervision and accountability If there is not enough, the possibility of fraud, discrimination, rent, mistrust, corruption and mismanagement increases. On a macro scale Also, transparency can increase social and economic capital, strengthen the rule of law and good governance.

In the current research, how the laws and regulations, legal tools and enforcement guarantees are effective in the field Clarifying and providing correct and timely financial information of economic institutions and enterprises, studied through documentary studies data and provide solutions to overcome existing obstacles.

Keywords: Clarification, Presentation of Financial Information, Stock Exchange, Rule of Law and Law on the Implementation of General Policies of Article ۴۴ of the Constitution.

^۱Ph.D. Student, Department of Pubic Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

^۲Corresponding Author, Research Assistant Professor of Majles Research Center (MRC), Tehran, Iran. Email: a.markaz@majles.ir.

^۳Assistant Professor, Department of Pubic Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

^۴Assistant Professor, Department of Pubic Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.